

کرامت سالمندان از منظر آیات و روایات

حجت الاسلام والمسلمین محمدامین صادقی ارزگانی*

مقدمه

سالمند در خانواده، موهبتی الهی و گوهری گرانبها در صدف زندگی و صندوقچه اسرار تاریخ است که از نگاه نافذش، بصیرت می درخشد و قلبش جز محبت و یاد خدا چیزی در خود ندارد؛ از این رو سالمندان زمینه فیض الهی را فراهم می کنند و وجودشان برکت است؛ چنانکه رسول اعظم ﷺ فرموده است: «الْبَرَكَةُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ»^۱ وجود پیران سالخورده بین شما، باعث افزایش فیض ربوبی و بسط نعمت های الهی است». کهنسالان، عمری تجربه ها کسب کرده و در مدرسه زندگی درس هایی را فرا گرفته اند. آن ها اگر چه از جهت جسمانی ناتوان شده و قدرت فعالیت و تحرک را از دست داده اند، ولی از نظر معنوی تجاربی ارزنده ای دارند، نیک و بدها را می فهمند و مسائل را بهتر تجزیه و تحلیل می کنند. آن ها می توانند مانند رهبران روحانی، هادی دیگران باشند و جوانان و میانسالان را به خیر و سعادت شان راهنمایی نمایند؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام فرموده است: «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ»^۲ وجود پیر سالخورده در خانواده اش همانند پیغمبر الهی است در بین امتش». از منظر آیات و روایات، سالمندان دارای کرامت هستند و باید به عواملی که موجب توجه به این کرامت می شود؛ بیشتر پرداخته شود تا جامعه نسبت به این قشر ارزشمند و دلسوز التفات و عنایت بیشتری داشته باشد.

شناخت حقوق سالمندان

یکی از آسیب های جدی جامعه، عدم شناخت جایگاه و حقوق سالمندان است؛ زیرا برخی

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۳۷.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۷۶.

تصور می‌کنند که آن‌ها موانع زندگی خانواده و سربار جامعه هستند؛ چنانکه در زندگی ماشینی امروزه خانه سالمندان را برای نگهداری پیران تشکیل داده‌اند. این نوع زندگی برای سالمندان، چیزی جز مرگ تدریجی نیست.

متأسفانه امروزه در جامعه ما نیز جایگاه سالمندان در مقایسه با گذشته تضعیف شده و آن‌ها را با مشکلاتی مواجه ساخته است. در جوامع سنتی سالمندان موقعیت اجتماعی را در اختیار داشته و نقش‌های کلیدی در خانواده و جامعه داشتند، اما تحولات ایجاد شده در عرصه‌های مختلف، گسترش تکنولوژی، آپارتمان‌نشینی، گسست دو نسل، جابجا شدن ارزش‌ها و عدم شناخت حقوق شهروندی سالمندان سبب کم شدن موقعیت سالمندان در مقایسه با جوامع گذشته شده است. این در حالی است که در گزاره‌های دینی سالمندان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. اسلام برای سالمندان حقوق خاصی قائل شده است؛ همان حقی که امروزه جوانان و میانسالان بدان توجه ندارند. امام باقر علیه السلام فرموده است: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَعْظَمُ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ قَالَ وَالِدَاةُ»^۱ از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد چه کسی بزرگ‌ترین حق را به آدمی دارد؟ فرمود: پدر و مادر. امام سجاد علیه السلام نیز فرموده است: «وَأَمَّا حَقُّ الْكَبِيرِ فَإِنَّ حَقَّهُ تَوْقِيرَ سِنَّةٍ...»^۲ اما حق بزرگ‌تر بر تو، آن است که او را به خاطر سنش احترام نمایی.

با توجه به اهمیت و جایگاه والدین است که خشنودی و خشم والدین، با خشنودی و خشم خداوند گره خورده است؛ چنانکه رسول اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «رَضِيَ اللَّهُ فِي رَضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُهُ فِي سَخَطِهِمَا»^۳ خشنودی پدر و مادر، رضای خداوند است و خشم الهی در غضب پدر و مادر است. همچنین آن حضرت فرموده است: «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَلَدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ»^۴ نگاه محبت‌آمیز فرزند به روی پدر و مادر، عبادت است. بر این اساس دختران و پسران جوان امروز، مادران و پدران فردای اجتماع هستند. اگر جوانان امروز وظیفه تکریم و احترام را نسبت به والدین خود مراعات نمایند و این سنت الهی را در جامعه نگهداری کنند، فردا خودشان مورد تکریم فرزندان خویش قرار می‌گیرند و از این نعمت سعادت‌بخش برخوردار می‌شوند.

انجام تکلیف شرعی

تکریم سالمندان و احترام آنان، از آموزه‌های قرآنی است:

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۹، ص ۶۵.
۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷۶.
۳. آقا حسین بروجردی، جامع احادیث الشيعة (للبروجردی)، ج ۲۶، ص ۸۸۷.
۴. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

کرامت سالمندان از منظر آیات و روایات ■ ۵۹

و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا؛^۱ و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخورگی رسیدند، به آن‌ها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آن‌ها سخنی شایسته بگوی و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا! آن دو را رحمت کن، چنانکه مرا در خردی پروردند.

در این آیه شریفه به چند نکته درباره تکریم پدر و مادر اشاره گردیده است. نیکی به پدر و مادر در کنار عبادت پروردگار ذکر شده و احسان و نیکوکاری به پدر و مادر همانند عبودیت الهی، به عنوان تکلیف شرعی بر فرزندان واجب است. اشاره به زمان سالمندی و کهولت والدین، گویای آن است که گر چه در همه زمان‌ها فرزند وظیفه دارد به پدر و مادرش نیکی کند، ولی در زمان سالمندی آنان این تکلیف بیشتر متوجه فرزندان می‌شود. فرزند حق ندارد حتی به والدینش کلمه‌ای همچون «اُف» بگوید و باید با تکریم و احترام، با آنان به ملاحظت و مهربانی سخن بگوید و با آنان، با تواضع و فروتنی رفتار کنند.

بنابراین یکی از علل تکریم سالمندان در خانواده، تکلیف شرعی انسان است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه نوشته است: «معلوم می‌شود مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسئله توحید، واجب‌ترین واجبات است؛ هم چنانکه مسئله عقوق (نفرین) بعد از شرک ورزیدن به خدا، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است؛ به همین جهت این مسئله را بعد از توحید و قبل از سایر احکام اسم برده است».^۲

انجام وظیفه انسانی

حفظ کرامت انسانی افزون بر تکلیف الهی، وظیفه انسانی است؛ زیرا حفظ کرامت والدین امر عقلانی و فطری است؛ چنانکه امام سجاده علیه السلام فرموده است:

اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي وَ اَثْبِتْهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاةَ مَنِّي فِي صِغَرِي فَهُمَا اَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ وَ اَقْدَمُ اِحْسَانًا اِلَيَّ وَ اَعْظَمُ مَنَّةً لَدَيَّ مِنْ اَنْ اُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ اَوْ اُجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلًا، اَيْنَ اِذَا؛^۳ خدایا! آنان را به پاس پرورش من پاداش بخش و در برابر

۱. اسراء: ۲۳ و ۲۴.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۳۵.

۳. امام زین العابدین علیه السلام، صحیفه سجاده، دعای ۲۴.

گرامیداشت من جزا عنایت فرما و هر چه را در کودکی ام نسبت به من منظور داشتند، در حق آنان منظور دار. حق آنان بر من از حق من بر آنان، واجب‌تر و احسان‌شان به من پیشتر و دیرین‌تر و نعمت‌شان نسبت به من، عظیم‌تر از این است که بر اساس عدالت کارشان را تلافی کنم یا با آنان مانند آنچه را با من رفتار کردند، رفتار کنم.

در این فراز، نکته‌های اخلاقی و انسانی تکریم سالمندان اشاره شده است. بر اساس اقتضای حکم اخلاقی، اگر کسی به انسان در هنگامه نیاز و ناتوانی‌ها نیکی و احسان کند؛ باید در مقابل نیکی و احسان او را به صورتی بهتر و یا دست‌کم به اندازه‌ای که او نیکی نموده، جبران کند. بدیهی است چنانکه در این فراز اشاره شده است، هیچ کسی مثل پدر و مادر به انسان نیکی و احسان نمی‌کند؛ بنابراین اگر کسی به حکم وظیفه شرعی در حال سالمندی به پدر و مادرش کمک نماید، بر اساس حکم عقلی و اخلاق انسانی باید آن‌ها را مورد مهر و محبت خویش قرار دهد و در سن کهولت و پیری آنان، با آن‌ها نیکی و احسان کند تا دست‌کم همه محبت و خوبی‌شان در زمان کودکی و نیاز انسان جبران شود. اگرچه خوبی و محبت آنان قابل جبران نیست، ولی در حد توان باید تلاش شود که با تکریم و پذیرش نگاهداشت آن‌ها در خانه و جمع خانواده، به یاری و توفیق الهی کمی خدمت‌هایشان را کمی جبران کند.^۱

ای وجودت جلوه پروردگار	ابر باران خیز در فصل بهار
شیر توجان مایه جان من است	هم دوا، هم آب و هم نان من است
هستی من وامدار هستت توست	گاه رفتن دست من در دست توست
غنچه من شاد از شیر شماست	برگ و بارم لطف تدبیر شماست
شهد مهرت بارها نوشیده‌ام	خاک پایت توتیای دیده‌ام
مهر مادر جلوه مهر خداست	زین سبب بی‌حد و حصر و منتهاست ^۲

رسالت جوانان

جوانان باید بدانند که عمر به سرعت می‌گذرد و طولی نمی‌کشد که آنان به میانسالی می‌رسند و میانسالی پیر می‌شوند. بنابراین بنا بر آیات قرآن باید به والدین کهنسال خویش نیکی کنند و حقوق انسانی پدران و مادران پیر خود را مراعات نمایند تا هنگام پیری، فرزندان‌شان نیز به

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۲. محمدامین صادقی ارزگانی، دیوان شعر باغچار نامه، ص ۲۳۶.

آن‌ها احسان کنند و حقوق‌شان را رعایت نمایند. باید این سنت مقدس اسلامی را در کانون خانواده محافظت کرد و از هر نسلی به نسل دیگر منتقل نمود تا اطفال و نوجوان، احترام والدین را از آن‌ها درس بگیرند و فردا درباره پیری آن‌ها اعمال کنند.^۱ امام علی علیه السلام فرموده است: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ، يُوقِّرْكُمْ صِغَارَكُمْ؛^۲ به بزرگان‌تان احترام کنید تا کوچک‌ترها هم به شما احترام کنند». امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «بُرِّوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكْكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ؛^۳ به پدران‌تان نیکی کنید تا فرزندان‌تان هم به شما نیکی کنند».

یکی از مصادیق نیکی، احترام به سالمندان است. امام خمینی رحمته الله نسبت به این مسئله اهمیت بسیاری قائل بود؛ چنانکه نقل شده است:

روزی در جماران به محضر امام خمینی رحمته الله رسیدیم. یکی از مسئولین مملکتی برای انجام کارهای جاری به خدمت امام رحمته الله رسید و پدر سالخورده‌اش همراهش بود. وقتی که می‌خواست حضور امام رحمته الله برسد، خودش جلوتر از پدر حرکت کرد. پس از تشریف به خدمت امام رحمته الله، پدرش را معرفی کرد. امام رحمته الله نگاهی به آن مسئول نمود و فرمود: «این آقا پدر شما هستند؟». آن فرد عرض کرد: «آری». امام رحمته الله فرمود: «پس چرا جلو وی راه افتادی و وارد شدی؟»^۴.

خانم زهرا مصطفوی می‌گوید: «امام رحمته الله بارها به من می‌گفتند: اینکه می‌گویند بهشت زیر پای مادران است؛ یعنی باید اینقدر جلوی پای مادر صورت به خاک بمالی تا خداوند تو را به بهشت ببرد». خانم صدیقه مصطفوی نیز می‌گوید: «یک روز من در خدمت امام رحمته الله ایستاده بودم و دخترهایم نشسته بودند. ایشان با ناراحتی به بچه‌ها گفتند: بلند شوید و بروید. اصلاً وقتی مادر جلوی شما ایستاده، چرا شما نشسته‌اید؟ بلند شوید از جایتان»^۵.

دیدار با سالمندان و احوالپرسی از آنان

سالمندان دوست دارند در کنار دیگر اعضای خانواده و از محبت آنان برخوردار باشند، اما

۱. ر.ک: محمدتقی فلسفی، بزرگسالان و جوانان از نظر افکار و تمایلات، ج ۱، ص ۶۰.

۲. محمد بن علی صدوق، الأمالی، ص ۹۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۵۴.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «امام خمینی و احترام پدر»، ۱۳۹۶/۱۲/۰۹، کد خبر: ۵۱۱۴۸.

<https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/51148>

۵. غلامعلی رجایی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی رحمته الله، ج ۱، ص ۳.

اگر به دلایلی در مراکز سالمندان حضور دارند، باید به دیدار آن‌ها رفت؛ زیرا سالمندان در چنین شرایطی بیشتر از هر زمان دیگری احساس تنهایی می‌کنند و به محبت و دلجویی نیاز دارند. یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: «روزی از تلویزیون دیدم یکی از همین پیرمردهایی که در خانه سالمندان زندگی می‌کنند، می‌گفت: دخترم، پسرم اگر نمی‌خواهید بیایید به من سر بزنید؛ فقط از سلامتی خودتان به من خبری بدهید. این وضعیت خیلی تأسف‌آور است که البته شامل حال همه نمی‌شود».^۱

قرآن درباره والدین فرموده است: «وَلَا تَنْهَرُہُمَا».^۲ مفسران این عبارت را دوگونه معنا کرده‌اند. برخی آن را به معنای پرخاش نکردن، بلند صحبت نکردن و فریاد نزدن دانسته‌اند. بعضی نیز آن را به معنای طرد نکردن والدین از خود دانسته‌اند. این معنا در لغت نیز مطرح است؛ بنابراین «وَلَا تَنْهَرُہُمَا»، یعنی پدر و مادر را از خود دور و طردشان مکن. این آیه و آیات دیگر به فرزندان سفارش می‌کند که مبدا هنگام پیری پدر یا مادر، در نگهداری از آن‌ها کوتاهی کنید یا این مسئولیت را به عهده دیگری بگذارید و بخواهید آن‌ها را از زندگی خود بیرون کنید؛ زیرا وجود پدر و مادر در زندگی فرزند، برکت است. اگرچه سپردن والدین به خانه سالمندان، کاری بسیار ناپسند و به دور از انصاف و عدالت است، اما اگر بنا به دلایلی آن‌ها را به خانه سالمندان سپردید، باید به آن‌ها سر بزنید.

قدردانی از سالمندان

یکی از راه‌های تکریم‌افزایی، قدردانی از سالمندان است؛ زیرا آن‌ها مهم‌ترین نقش را در تربیت فرزندان و رشد و پویایی جامعه داشته‌اند. سپاسگزاری موجب می‌شود سالمندان احساس کنند که سر بار جامعه نیستند و مردم قدر و ارزش آن‌ها را می‌دانند. سپاسگزاری از والدین، نهادینه‌سازی تکریم سالمندان برای نسل‌های بعد است؛ از این رو قرآن در سوره لقمان بلافاصله پس از یادآوری زحمات مادر،^۳ دستور به شکرگزاری می‌دهد که این مسئله نشان‌دهنده جایگاه ویژه پدر و مادر است: «أَنْ اشکُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْکَ؛ هم شکر مرا به جا بیاورید و هم شکر پدر و مادر را». شکر خدا را باید به جا آورد؛ چون خالق ماست. شکر پدر و مادر را نیز باید به جا آورد؛ زیرا

۱. همشهری آنلاین، «حکایت تکریم سالخوردگان»، ۱۳۹۳/۰۲/۱۶، کد خبر: ۲۵۸۵۹۲.

<https://www.hamshahrionline.ir/news/258592>

۲. اسراء: ۲۴.

۳. لقمان: ۱۴: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالَهُ فِي عَامَتَيْنِ أَنْ اشکُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْکَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ».

ورود ما به زندگی دنیا توسط آن‌ها بوده است. آن‌ها وسیله فیض الهی درباره ما بوده‌اند و خداوند برای کسی که وسیله فیض است، حرمت بسیاری قائل است. شکر پدر و مادر به این معناست که به آن‌ها احسان کنید؛ چنانکه در آیه دستور احسان به آنان داده شده است: «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱. سپاس از خداوند، بندگی خدا و سپاسگزاری نسبت به خدمات و جایگاه پدر و مادر، احسان به آن‌هاست. در روایت آمده است مردی مشغول طواف خانه خدا بود، مادرش را نیز بر دوش گرفته بود و طواف می‌داد. در همان حال پیامبر ﷺ را دید و از آن حضرت پرسید: «آیا با این کار، حق مادرم را ادا کرده‌ام؟». آن حضرت فرمود: «خیر. تو با این کارت حتی یکی از ناله‌های او را هم (به هنگام وضع حمل) جبران نکرده‌ای»^۲.

شناخت آثار و برکات وجود سالمندان

یکی از راه‌های تکریم سالمندان، بیان آثار و برکات وجود آنان در خانواده و جامعه است؛ زیرا یکی از عوامل تأثیر مشوق‌هاست؛ همان‌گونه که امروزه برای جمعیت‌افزایی از فاکتورهای مشوق مانند دادن وام مسکن استفاده می‌کنند. اگر امروزه عوامل تشویق درباره تکریم سالمندان اجرایی و عملیاتی شوند، مطمئناً جوانان و میانسالان بیشتر به تکریم سالمندان می‌پردازند. در آموزه‌های دینی به آثار دنیوی و اخروی خدمت به سالمندان اشاره شده است؛ چنانکه پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُمَدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَيُنْسَطَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ أَبَوَيْهِ»^۳ کسی که طولانی شدن عمر و توسعه رزق را دوست دارد، به پدر و مادر خود نیکی کند». در روایتی از ابن عباس، از رسول خدا ﷺ آمده است: «هر فرزند نیکوکاری که از روی مهربانی به پدر و مادر نگاه کند، در مقابل هر نگاه ثواب یک حج کامل مقبول به او داده می‌شود». از آن حضرت سؤال کردند: «حتی اگر روزی صد مرتبه به آن‌ها نگاه کند؟». حضرت فرمود: «آری؛ خداوند بزرگ‌تر و پاک‌تر است»^۴. امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ ... فَلْيَكُنْ بِوَالِدَيْهِ بَارًّا»^۵ کسی که دوست دارد موقع قبض روح جان او راحت گرفته شود، پس به پدر و مادر خود نیکی کند». شاید بر همین اساس است که اولیای خدا غطبه می‌خورند کاش می‌توانستند به والدین خدمت کنند. در روایتی آمده است: وقتی حضرت موسی علیه السلام با

۱. همان.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۵.

۴. همان، ج ۷۴، ص ۷۳.

۵. محمد بن علی صدوق، الأمالی، ص ۳۸۹.

پروردگارش مناجات می‌کرد، مردی را دید که مناجات می‌کند. حضرت موسی علیه السلام به مقام و درجه او غبطه خورد و عرض کرد: «پروردگارا! به چه وسیله بندهات را به این مقام رساندی؟». ندا آمد: «ای موسی! این مرد به پدر و مادر خود نیکی می‌کرد».^۱

شهید مطهری می‌گوید: «گاه‌گاهی که به اسرار وجودی خود و کارهایم می‌اندیشم، احساس می‌کنم یکی از مسائلی که باعث خیر و برکت در زندگی‌ام شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال من کرده است، احترام و نیکی فراوان بوده است که به والدین خود به‌ویژه در دوران پیری و هنگام بیماری کرده‌ام». یکی از فرزندان شهید مطهری می‌گوید: «من مکرر شاهد تواضع و احترام خاص پدر و معلم عزیزم نسبت به پدر بزرگوارش بودم. هر گاه به فریمان می‌رفتیم، پدرم تأکید داشتند که نخست به منزل پدر و مادرشان بروند. در موقع روبه‌رو شدن با پدر و مادر، دست آنان را می‌بوسیدند و به ما نیز توصیه می‌کردند ایشان را ببوسیم».^۲

نهادینه‌سازی سنت‌های اجتماعی

سازمان ملل در سال ۱۹۸۲ شورای جهانی سالمندی را تشکیل داد و در همان سال طرحی را برای تعیین یک روز جهانی برای سالمندان ارائه داد تا اینکه در سال ۱۹۹۰ این شورا اول اکتبر را روز جهانی سالمندان تعیین کرد.^۳ جمهوری اسلامی نیز روز نهم مهرماه را، به عنوان روز جهانی و ملی سالمندان اعلام نمود.^۴ و برخی اقدامات نیز این روز صورت گرفت، اما واقعیت این است که این امر کافی نیست، از این رو یکی از راه‌های تکریم سالمندان گسترش احیای فرهنگ سنت‌های ملی و دینی در جامعه است تا جوانان بیشتر با این برنامه‌ها آشنا شوند، و این در حالی است که در برخی کشورها، مانند ژاپن روز ملی سالمندان را تعطیل کرد و ژاپنی‌ها، در این روز احترام، مهربانی و علاقه‌مندی خود را به افراد مسن در خانواده و جامعه را ابراز می‌دارند و از افراد مسن در جریان مراسم مختلف در این کشور دعوت به عمل می‌آید و با اهدای هدایایی از آن‌ها تجلیل می‌شود، و برنامه‌های فرهنگی و رقابت‌های ورزشی با محوریت سالمندی در سطح جامعه برای این قشر از افراد جامعه برگزار می‌شود. در برخی مدارس ابتدایی دانش‌آموزان، برای

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۷.

۲. پرتال فرهنگی راسخون، «آیت‌الله مطهری و احترام به والدین»، ۱۳۹۰/۰۹/۰۲، کد مطلب: ۲۰۲۷۷۸.

<https://rasekhoon.net/article/show/202778>

3. <https://web.ssu.ac.ir/page-salamatvasalmandi/fa/180>

4. <https://www.irna.ir/news/84489595>

پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود نقاشی می‌کشند و یا آن‌ها که صنایع دستی را تهیه می‌کنند و به آن‌ها و افراد مسن دیگری که در آسایشگاه‌های سالمندان زندگی می‌کنند، هدیه می‌دهند.^۱

بر این اساس یکی از راه‌های تکریم سالمندان احیا فرهنگ سنت‌های اجتماعی، برگزاری همایش، تهیه سریال و فیلم و برگزاری جشن... برای سالمندان است. تا احیای سنت‌های الهی و اجتماعی در جامعه نهادینه‌سازی و به‌عنوان ارزش اجتماعی مطرح شود، چنانچه امام علی علیه السلام دستور می‌دهد که ارزش و سنت الهی و سنت‌های اجتماعی را حفظ نماید: «... أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَإِثَارِ طَاعَتِهِ، وَاتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ، مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ؛^۲ او را به تقوای الهی فرمان می‌دهد و به ایثار و مقدم داشتن اطاعت خدا و پیروی از آنچه در کتاب او (قرآن مجید) به آن امر فرموده اعم از فرایض و سنن) دستور می‌دهد».

دعا برای سالمندان

اگر چه تصور بر این است که والدین باید برای فرزندان خویش دعا کنند تا زندگی موفق و فرجام نیک داشته باشند، اما در گزاره‌های دینی تأکید شده است که فرزندان نیز برای والدین دعا نمایند؛ زیرا در آیات و روایات سفارش شده است قبل از آنکه انسان برای خود دعا کند، برای دیگران دعا نماید. بی تردید یکی از مصادیق دیگران، والدین هستند. انسان در پیری نیاز بیشتری به دعا دارد؛ از این رو در قرآن آمده است: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا؛^۳ بگو خدایا به آن‌ها رحم کن و در حق آن‌ها لطف بفرما، همان‌گونه که من کودک بودم و آن‌ها با لطف مرا پرورش دادند». امام سجاد علیه السلام در این باره چنین دعا کرده است: «وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظْتَ لِي فِي صَغَرِي فَهُمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَى؛^۴ خدایا! آنان را به پاس پرورش من، پاداش بخش و در برابر گرامیداشت من، جزا عنایت فرما».

1. <https://www.irna.ir/news/8166234>

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. اسراء: ۲۴.

۴. امام زین العابدین علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای ۲۴.

فهرست منابع کتب

قرآن کریم

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تهران: دار الکتب اسلامیة، [بی‌تا].
۲. امام‌زین‌العابدین، علی بن حسین علیه السلام، صحیفه سجادیة، تهران: نشر مؤسسه فیض الاسلام، ۱۳۶۸ ش.
۳. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث شیعه، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۵. رجایی، غلامعلی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.
۶. صادقی ارزگانی، محمد امین، باغچارنامه، قم: چاپ ققنوس، [بی‌تا].
۷. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۸ ق.
۹. فتال نیشابوری، احمد بن محمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، چاپ اول، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. فلسفی، محمدتقی، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، چاپ دهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «امام خمینی علیه السلام و احترام پدر»، ۱۳۹۶/۱۲/۰۹، کد خبر: ۵۱۱۴۸.
۲. پرتال فرهنگی راسخون، «آیت‌الله مطهری و احترام به والدین»، ۱۳۹۰/۰۹/۰۲، کد مطلب: ۲۰۲۷۷۸.
۳. همشهری آنلاین، «حکایت تکریم سالخوردگان»، ۱۳۹۳/۰۲/۱۶، کد خبر: ۲۵۸۵۹۲.

الگوسازی زنان در قرآن

فریده فاطمی مهر*

مقدمه

تاریخ، نمایشگر زنانی است که در عرصه ایمان، عمل صالح و پیمودن مدارج رشد و کمال گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند و نامشان در زمره اسوه‌ها و نقش‌آفرینان تاریخ ثبت شده است. قرآن از زنانی نام برده است که در زمان خود الگوی مردم بوده‌اند. برخی دیگر نیز به عنوان الگوی فرا زمانی و فرا مکانی، برای تمامی دوران‌ها به عنوان الگو معرفی شده‌اند. نوشتار حاضر ویژگی‌های چهار بانوی قرآنی - حضرت آسیه رضی الله عنها، حضرت مریم رضی الله عنها، حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت زهرا رضی الله عنها - که به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله به کمال رسیدند^۱ و برترین زنان بهشت معرفی شدند،^۲ می‌پردازد تا الگوی مناسبی را در اختیار همگان به‌ویژه زنان مسلمان قرار دهد.

مفهوم اسوه و الگو

اسوه در لغت به معنای «مقتدا»، «الگو»، «سرمشق»، «پیشوا» و «پیشرو»^۳ آمده است. الگو در معنای اصطلاحی نیز به طرح و نمونه یا مدلی از شکل یا اشیا یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود.^۴ الگوی انسانی نیز به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. در علوم اجتماعی نیز الگوها، شیوه‌هایی از زندگی هستند که از فرهنگ نشأت می‌گیرند و افراد به هنگام عمل به طور طبیعی با این الگوها سر و کار دارند و

* دانش‌آموخته، سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

۳. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۳، ص ۱۹۶.

۴. سید داود حسینی نسب و علی اصغر اقدم، فرهنگ واژه‌ها: تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، ص ۶۳۲.

اعمال آن‌ها با این الگوها تطابق می‌یابد.^۱

از الگو در عربی به «أسوه» و «قُدوه» تعبیر می‌شود.^۲ راغب، اسوه را حالتی می‌داند که انسان به هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند.^۳ قرآن کریم واژه اسوه را در سه مورد به کار برده است.^۴ مفسران در تفسیر آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» گفته‌اند: «اسوه یعنی قدوه که عبارت است از اقتدا و پیروی کردن و اسوه در مورد رسول خدا ﷺ؛ یعنی پیروی و تبعیت کردن از او هم در گفتار و هم در رفتارش به او تأسی کنید».^۵

شیر را بچه، همی مانند بدو
تو به پیغمبر به چه مانی بگو^۶

الگوی زنان در قرآن

قرآن در معرفی الگو و تجلیل از شخصیت‌ها، فرقی میان زن و مرد قائل نشده است.^۷ قرآن زنان نمونه‌ای را برای الگوسازی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم معرفی، و سرگذشت آن‌ها را نقل کرده است؛ زنانی که قابلیت الگو شدن برای دیگران، اعم از مرد و زن را دارند. مطالعه و تأمل در سرگذشت این بانوان، گویای یک یا دو ویژگی خاص در وجودشان است که آنان را به الگوی ماندگار در تاریخ تبدیل کرده است.

۱. حضرت آسیه رضی الله عنها، الگوی حق‌پذیری و ظلم‌ستیزی

آسیه رضی الله عنها، زن نام‌آوری است که در دفاع از دین خدا و پیامبر الهی و مبارزه با ظلم و ستم فرعون در تاریخ ضرب‌المثل شده است. آسیه رضی الله عنها با اعلام انزجار از ظلم و ستم فرعون، با خوی فرعون و طاغوتی مخالفت و مبارزه و نسبت به آن ابراز تنفر می‌کند. این بانوی گرامی دارای درایت، روشن‌بینی و از خودگذشتگی بود.^۸ او سال‌ها به طور مخفیانه یکتاپرستی کرد تا سرانجام

۱. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۲۶۰.

۲. احمد بن فارس قزوینی، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۰۵؛ محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۷۶.

۴. احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴ و ۶.

۵. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۲۸۸.

۶. جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۲۲۰۲.

۷. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۱۳۹.

۸. احمد بهشتی، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، ص ۴۴.

در راه مبارزه علیه ظلم و بی‌عدالتی^۱ در راه حق به شهادت رسید.^۲ شهادت آسیه علیها السلام، بیانگر این پیام است که در محیط فاسد و در جامعه ستمکار نیز می‌توان پاک بود.^۳

داستان دفاع از حق و ایستادگی مقابل ظلم حضرت آسیه علیها السلام این‌گونه نقل شده است:
در دستگاه فرعونیان، همسر حزیبیل نجار به عنوان آرایشگر دختر فرعون رفت و آمد می‌کرد. روزی وی مشغول شانه زدن زلف‌های اینسا، دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و هنگام برداشتن آن، بسم‌الله گفت. دختر فرعون با تعجب گفت: «آیا منظور از گفتن الله، پدرم فرعون است؟». زن آرایشگر گفت: «نه، منظورم خدای موسی و هارون است که زمین و زمان و پدرت، فرعون را آفریده است».

دختر فرعون ماجرا را برای پدرش بازگو کرد و فرعون، آرایشگر و فرزندانش را به حضور فراخواند و پرسید: «پروردگارت کیست؟». زن گفت: «خدای من و تو، الله است که پروردگار جهانیان است». فرعون با شنیدن این سخن دستور داد تئوری را که از مس ساخته بودند، روشن کنند و تمام فرزندان آن زن را یک به یک میان آن تنور سوزاند تا نوبت به فرزند شیرخواره آرایشگر رسید. در این مرحله صبر و قرار زن تمام شد و شروع به اعتراض و گریه کرد، ولی آن بچه شیرخواره به امداد غیبی به سخن در آمد و گفت: «ای مادر! صبر کن که این بلاها در راه حق است». در پایان کار نیز زن را به آتش انداختند و سوزاندند. این زن مؤمن و شجاع تا زنده بود، تسلیم جور و ستم نشد و در برابر این همه مصائب تلخ ایستادگی کرد.^۴

وقتی آسیه علیها السلام این جنایات را دید، صبرش لبریز شد و به شدت به فرعون اعتراض کرد: «وای بر تو ای فرعون! تا کی جنایت خواهی کرد؟ چقدر به خدایت و خدای عالمیان جرأت و جسارت پیدا کرده‌ای؟ این زن و فرزندان او چه گناهی داشتند که آنان را به آتش افکندی؟!». فرعون با شنیدن این سخنان اعتراض‌آمیز از ملکه دربار و همسر زیبا و مورد علاقه‌اش، تعجب کرد و گفت: «مگر دیوانه شده‌ای که این‌گونه سخن می‌گویی؟». آسیه علیها السلام گفت: «دیوانه نشدم، لیکن به خدای موسی که خدای عالمیان است، ایمان آورده‌ام». فرعون که هرگز فکر نمی‌کرد موسی علیه السلام دارای چنین پایگاه قوی و نیرومندی در دربارش باشد که آسیه را به آیین خود جذب کند، احساس خطر کرد و به سراغ مادر آسیه رفت تا از او کمک بگیرد. مادر آسیه و فرعون،

۱. محمد مهدی اشتهاوردی، زنان مردآفرین تاریخ، ص ۵۷.

۲. علی دوانی، زن در قرآن، ص ۴۵.

۳. هادی دوست‌محمدی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، ص ۱۲۹ - ۱۲۵.

۴. اسدالله محمدی‌نیا، بهشت جوانان، ص ۵۹.

آسیه علیها السلام را به زعم خود نصیحت کردند تا دست از این آیین بردارد، وگرنه همچون همسر حزییل به مجازات خواهد رسید.

تهدیدهای فرعون و نصیحت‌های خصوصی مادر تأثیری نبخشید و آسیه علیها السلام دست از ایمان و عقیده خود بر نداشت. فرعون میان دو راهی قرار گرفته بود که ایمان همسرش را تحمل کند که در این صورت جرئت مؤمنان و نفوذ بنی اسرائیل که به موسی علیه السلام و آیینش گرویده بودند، بیشتر می‌شد یا با خشونت و بی‌رحمی، آسیه علیها السلام را نیز مثل دیگر مؤمنان به شهادت برساند. او راه دوم را برگزید و تلاش کرد با شکنجه آسیه علیها السلام را برساند تا دست از عقیده‌اش بردارد. از این رو دستور داد آسیه علیها السلام را بر زمین بخوابانند و هر یک از دست‌ها و پاهایش را با میخ‌های بزرگ بر زمین بکوبند. سپس سنگ بزرگی را روی سینه‌اش بگذارند. حضرت موسی علیه السلام این صحنه را دید. آسیه علیها السلام از او استمداد کرد و از جنایات فرعون شکوه نمود. موسی علیه السلام آسیه را دعا کرد و در اثر دعای آن حضرت، همه شکنجه‌ها در جسم و روح آسیه مؤثر نشد و درد و عذاب را احساس نکرد.^۱

قرآن مناجات آسیه علیها السلام با خداوند هنگام شهادت و درخواستش را این‌گونه نقل کرده است:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
وَوَجِّعِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَوَعْمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛^۲ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است؛ در آن هنگام که گفت: پروردگارا! نزد خود برای من خانه‌ای در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.

۲. حضرت مریم علیها السلام، الگوی عفت و پاکدامنی

داستان حضرت مریم علیها السلام در قرآن، یکی از شگفت‌انگیزترین و جالب‌ترین داستان‌های قرآنی است. حضرت مریم علیها السلام تنها زنی است که نام مبارکش در ۱۲ سوره قرآن مجید و ۳۴ آیه به صراحت ذکر شده است، اما شرح احوال او بیشتر در دو سوره آل عمران و مریم بیان شده است. آن حضرت، نمونه انسان کامل و متجسم فضایل معنوی است. او توانست در مسیر تعالی و رشد شخصیت خدایی خود، الگوی سالکان اعم از زن و مرد باشد. او که مظهر عفاف و پاکدامنی بود، به درجه‌ای رسید که توانست به عنوان مادر حضرت عیسی علیه السلام به عنوان پیامبر اولوالعزم

۱. علی اکبر بابازاده، سیمای زنان در قرآن، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲. تحریم: ۱۱.

برگزیده شود.

استاد مطهری می نویسد:

قرآن در باره مریم، مادر عیسی، می گوید: کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت همواره ملائکه با او سخن می گفتند و گفت و شنود می کردند، از غیب برای او روزی می رسید، کارش از لحاظ مقامات معنوی آنقدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش را در حیرت فرو برده، او را پشت سر گذاشته بود، زکریا در مقابل مریم مات و مبهوت مانده بود.^۱

در خصوص حضرت مریم علیها السلام در قرآن می خوانیم: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۲ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.» در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است: «چه افتخاری از این برتر که انسانی با فرشتگان هم سخن شود، آن هم سخنی که بشارت برگزیدگی او از سوی خدا و طهارت و برتری او بر تمام زنان جهان باشد، و این نبود جز در سایه تقوا و پرهیزگاری و ایمان و عبادت او، آری او برگزیده شد تا پیامبری همچون عیسیای مسیح به دنیا آورد.»^۳ در آیه دیگر نیز آمده است: «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِ مِنْ الْقَائِمِينَ»^۴ و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دیدیم او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!» در این دو آیه ویژگی های متعدد برای حضرت مریم علیها السلام بیان شده است، اما «عفت و پاکدامنی» از ویژگی مهم حضرت مریم است، چنانچه در آیه اول خطاب به مریم آمده است: «... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ...»^۵ «فخر رازی ضمن چند احتمال درباره طهارت حضرت مریم، می گوید: «... وَ طَهَّرَكِ مِنَ الْأَفْعَالِ الذَّمِيمَةِ، وَ الْعَادَاتِ الْقَبِيحَةِ»^۶

در آیه دوم نیز آمده است: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»^۷ «أَحْصَنَتْ» از «حصن» به معنای قلعه، در مورد زنان، رمز عفت و پاکدامنی است. فخر رازی در ذیل این آیه

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۱۳۴.

۲. آل عمران: ۴۲.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۴۲.

۴. تحریم: ۱۲.

۵. أبو عبد الله محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۲۱۸.

می‌نویسد: «أَخَصَّنَتْ تَكَلَّفَتْ فِي عَفْتِهَا وَالمَحْصَنَةُ العَفِيفَةُ»^۱ در این قسمت از آیه مریم را به خاطر عفتش می‌ستاید. شاید این به خاطر رفتار ناپسندی باشد که یهودیان نسبت به آن جناب روا داشته، و تهمتی باشد که ایشان به وی زدند، و قرآن کریم در حکایت آن می‌فرماید: «وَ بِكُفْرِهِمْ وَ قَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا»^۲ و (نیز) بخاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند»، اما در مجموع آنچه که حضرت مریم را ممتاز می‌نماید، عفت و پاکدامنی است. حفظ پاک‌دامنی به قدری مهم است که حضرت مریم عليها السلام حتی محل عبادت خود را جایی انتخاب می‌کند که در معرض دید و نگاه مردان قرار نگیرد؛ یعنی گوشه شرقی مسجد الاقصی که کمتر در معرض دید مردان بود؛^۳ همچنین پرده‌ای آویزان می‌کند تا مردان هنگام حضور در مسجد پشت پرده قرار گیرند: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا»^۴ و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد).» در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد: «نظر به اینکه در مقام این بود که دائماً در بیت المقدس مشغول عبادت باشد یک حجابی بر خود اتخاذ کرد که دیگران که در بیت المقدس می‌آیند او را نظر نکنند و محجوب باشد که احدی نتواند بر او وارد شود»^۵ بر این اساس آن حضرت در جامعه‌ای گوهر عفت و پاکدامنی را پاس داشت که افزون بر انحراف عقیدتی، کارهای زشت و فحشا رواج داشت و منکرات، معروف و معروف، منکر شمرده می‌شد. متأسفانه امروزه عفت و حیا کمرنگ شده است و برخی زنان، حجاب را که یکی از مصادیق مهم عفت است، رعایت نمی‌کنند و این آسیبی جدی است که حیات و سلامت جامعه را تهدید می‌کند، چنانچه کارشناسان معتقدند بدحجابی، به‌خصوص در افراد و خانواده‌های مذهبی، نوعی بدبینی را در میان همسران ایجاد می‌کند که اختلاف‌برانگیز است. بنا بر بعضی مطالعات، نابسامانی‌های خانوادگی در ردیف نخست علل طلاق قرار دارد. برخی کارشناسان نیز بدحجابی را علت ۱۰ تا ۱۵ درصد طلاق‌ها دانسته‌اند.^۶ حجت‌الاسلام مرتضی آقا‌تهرانی

۱. أبو‌عبدالله محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۵۷۵. ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۸.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۴۵.

۳. سید عبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۸.

۴. مریم: ۱۷.

۵. سید عبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۸.

۶. خبرگزاری جوان آنلاین؛ «بدحجابی به طلاق دامن می‌زند»؛ ۲۹ مرداد ۱۳۸۹.

می‌گوید وقتی در مؤسسه اسلامی نیویورک مشغول فعالیت بودم، روزی دختر جوانی آمد که می‌خواست مسلمان شود. گفتم: برای پذیرش اسلام، ابتدا باید خوب تحقیق کنید و بعد اگر به این نتیجه رسیدید که دین اسلام دین حق است، می‌توانید مسلمان شوید. او رفت و شروع به مطالعه کرد. در این بین، چندین بار دیگر به من مراجعه کرد و در نهایت، با ناراحتی گفت: «اگر مرا مسلمان نکنید، من می‌روم و در وسط سالن فریاد می‌زنم و می‌گویم: من مسلمانم!» گفتم: حالا که در پذیرفتن اسلام مصمم شده‌اید، بیایید تا در طی مراسمی تشرف شما انجام شود. روز بعد، در بین مراسم گفتم: این خانم می‌خواهد امروز به دین مبین اسلام مشرف شود. یکی از حضار گفت: «لابد این دختر عاشق یک پسر مسلمان شده و چون دین ما اجازه ازدواج او را نمی‌دهد، می‌خواهد به صورت صوری مسلمان شود.» گفتم: از صراحت لهجه شما متشکرم؛ ولی این طور که شما گفتید، نیست؛ زیرا او در مورد حقانیت اسلام مطالعه گسترده‌ای داشته است و به عنوان مثال، در عقاید اسلامی چیزی به نام «بداء» هست که می‌دانم هیچ‌کدام از شما چیزی از آن نمی‌دانید؛ ولی این دختر خانم می‌داند. به هر حال، او در آن مراسم، مشرف به اسلام شد خانواده وی، مسیحی بودند و با دیدن حجاب او، شروع به آزار و اذیتش کردند. این آزار و اذیت روزبه‌روز بیشتر می‌شد؛ به حدی که مجبور شدم با آیت‌الله مظاهری تماس گرفته، جریان را با ایشان در میان گذارم. ایشان فرمود: «آیا احتمال خطر جانی وجود دارد؟» گفتم: بی‌خطر هم نیست. فرمود: «پس، شما به ایشان بگویید روسری خود را بردارد. ماجرا را به آن خانم ابلاغ کردم و گفتم: می‌توانید روسری خود را بردارید. او پرسید: «آیا این حکم اولیه است یا حکم ثانویه و به جهت تقیه صادر شده است؟» گفتم: نه؛ حکم ثانویه است و به دلیل تقیه صادر شده است. گفت: «اگر روسری خود را برندارم و برای حفظ حجابم کشته شوم، آیا من شهید محسوب می‌شوم؟» گفتم: بله. گفت: «والله، روسری خود را برنمی‌دارم؛ هر چند در راه حفظ حجابم جانم را از دست بدهم!» البته بعد از این ماجرا، خانواده او نیز با مشاهده رفتار بسیار مؤدبانانه دخترشان، از این خواسته صرف‌نظر کردند.^۱

۳. حضرت خدیجه رضی الله عنها، الگوی انفاق و بخشش

حضرت خدیجه رضی الله عنها، از چهره‌های ماندگار خُلق پسندیده بخشش است. این بانوی گرامی در بذل جان و مال و آبرو به نهایت درجه از خودگذشتگی رسید تا آنجا که کمک‌های مالی اش

1. <https://www.balagh.ir/content/16876>

موجب غنای پیامبر ﷺ شد؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «هیچ مالی به من سود نبخشید، آن‌گونه که ثروت خدیجه رضی الله عنها به من سود بخشید».^۱

حضرت خدیجه رضی الله عنها در حالی که می‌توانست با ثروتی که دارد، بهترین زندگی را برای خود تشکیل دهد؛ همه را به پای پیامبر ﷺ و گسترش دین اسلام ریخت و در سخت‌ترین وضعیت زیست تا دین خدا زنده بماند و پیامبر خدا ﷺ از او راضی باشد.

ایشان تو عصاره ایشار هل اتی بوده است جان و مال شما نذر مصطفی دین با جهاد مالی تو بیمه گشته است
تو حق مادری به همه کرده ای ادا^۲

خداوند در قرآن خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى»^۳ و تو را نیازمند یافت و بی‌نیاز نمود». مفسران در تفسیر آیه گفته‌اند: «توجه خدیجه رضی الله عنها، آن زن مخلص باوفا را به سوی تو جلب نمود تا ثروت سرشارش را در اختیار تو و اهداف بزرگت قرار دهد و بعد از ظهور اسلام، غنایم فراوانی در جنگ‌ها نصیب تو کرد؛ آن‌گونه که برای رسیدن به اهداف بزرگت بی‌نیاز شدی».^۴

شهید مطهری، حضرت خدیجه رضی الله عنها را به عنوان نمونه عالی نقش مؤثر زنان در پیشبرد معنویت و تمدن اسلام دانسته است: «هنگام مبعث، چهره بانویی را مشاهده می‌کنیم که در آن وقت، سخت مایه تسلی خاطر پیامبر ﷺ بوده و در نهایت صمیمیت، تمام هستی خود را نثار اسلام کرده است. این بانو، خدیجه رضی الله عنها است».^۵

۴. حضرت زهرا رضی الله عنها، الگوی ایشار

ایشان، بالاترین درجه سخاوت و به معنای برتری دادن دیگران بر خود است که به مراتب بالاتر از انفاق است. به شهادت آیات قرآن و سیره حضرت زهرا رضی الله عنها، بانوی بزرگ اسلام در همه زمینه‌ها همچون ایمان، انجام اعمال نیک، دفاع از ولایت، پرورش و تربیت فرزند و ... الگو و سرآمد است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲. خبرگزاری تسنیم، «ایشان تو عصاره ایشار هل اتی»، ۱۳۹۲/۰۴/۲۸، کد خبر: ۱۰۰۳۴۲.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/100342/28/04/1392>

۳. ضحی: ۸.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۰۵.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۰۴.

یکی از مشهورترین داستان‌های قرآنی که در آیات ابتدایی سوره انسان است، ایثار و انفاق امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام به مسکین و یتیم و اسیر است: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۱ و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا، به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند».

بس که انفاق مال و جان کردی

آیه آمد به شأنت ای زهرا

هر یتیم و اسیر و مسکینی

بهره‌مند از عطایت ای زهرا^۲

با توجه به اینکه حضرت فاطمه علیها السلام الگوی جاودانه‌ای برای تمام بشریت است، با درس آموزی از انفاق و ایثار حضرت و به‌کارگیری آن در جوامع در هر زمان و مکان از جمله جامعه امروزی ما، می‌توان عدالت اجتماعی و اقتصادی را به دور از فاصله طبقاتی و تبعیض‌های گوناگون شاهد بود.

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
۲. اشتهاوردی، محمد مهدی، زنان مردآفرین تاریخ، تهران: نبوی، ۱۳۷۶ش.
۳. بابازاده، علی اکبر، سیمای زنان در قرآن، تهران: سپهر، ۱۳۸۱ش.
۴. بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، چاپ ۲۵، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷ش.
۵. بهشتی، احمد، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۶. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۸۰ش.
۷. حسینی نسب، سید داود و علی اصغر اقدم، فرهنگ واژه‌ها: تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، تهران: حرار، ۱۳۷۶ش.

۱. انسان: ۸.

۲. سایت خبری تحلیل عصر امروز، «خدا کند که کسی بی‌هوا زمین نخورد»، ۱۳۹۸/۱۱/۰۸.

۸. دوانی، علی، زن در قرآن، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۹. دوست‌محمدی، هادی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات الفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. طیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. فخر رازی، أبو‌عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح‌الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. قزوینی، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. محمدی‌نیا، اسدالله، بهشت جوانان، تهران: سبط اکبر، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.

سایت‌ها

۱. خبرگزاری تسنیم، «ایثار تو عصاره ایثار هل اتی»، ۱۳۹۲/۰۴/۲۸، کد خبر: ۱۰۰۳۴۲.
۲. خبرگزاری جوان آنلاین؛ «بدحجابی به طلاق دامن می‌زند»؛ ۲۹ مرداد ۱۳۸۹.
۳. سایت خبری تحلیل عصر امروز، «خدا کند که کسی بی‌هوا زمین نخورد»، ۱۳۹۸/۱۱/۰۸.